

# آینده همکاری با بیگانه و خیانت به کشور

امیرفیض- حقوقدان

چند روز قبل پارلمان کشور فرانسه قانونی را تصویب رسانید که هرکس به الجزایری های مقیم فرانسه اهانت کند به جریمه ای معادل با ۴۵ هزار یورو محکوم خواهد شد این مقدار جریمه معادل جریمه ای است که به ارتش فرانسه توهین گردد.

طرح چنین موضوعی و اینکه مجلس ملی فرانسه آنرا بصورت قانون درآورد، بظاهر شگفت انگیز است و متحمل این ابهامات میشود که چرا برای توهین به الجزایری های مقیم فرانسه تصویب این قانون خاص لازم شده است و از آنجاکه توهین در قوانین جزائی فرانسه جرم عام است چرا اجرای آنرا نسبت به الجزایری ها بصورت قانون خاص آنقدر سنگین کرده اند که توهین به یک الجزایری برابر توهین به ارتش فرانسه گردد؟

## اشتراک مورد

تخصیص این تحریریه موضوع قانون حمایت از الجزایری های مقیم فرانسه، جهات مشترکی است که بین اقدامات بالقوه و بالفعل پاره ای از ایرانیان مقیم خارج و احتمالا داخل کشور در همراهی و ایجاد استعداد نظامی و سیاسی برای آمریکا در حمله به ایران موجود است به عبارت روشن، جهات اشتراک، بدین تخصیص است که بجای کشور الجزایر، ایران و بجای مردم الجزایر، ایرانیان حامی آمریکا در حمله به ایران، و بجای فرانسه، آمریکا و کشورهای وابسته به آن، منظور گردد.

## شأن وضع قانون مورد بحث

در جریان جنگهای استقلال طلبانه الجزایری ها با فرانسویها که سالها دوام یافت و خسارات جانی و مالی فراوانی به الجزایر و قوای فرانسویان وارد و بالاخره دوگل رئیس جمهور فرانسه ناچار گردید که با شناسایی استقلال الجزایر قوای نظامی کشورش را از الجزایر خارج سازد، گروهی از الجزایریها به اعتباراتی از قبیل روابط با قوای اشغالگر فرانسوی و یا منافع شخصی و یا اعتقاد به حقانیت فرانسه در قیمومت الجزایر، با ارتش فرانسه همکاری نظامی و اطلاعاتی و دعوت به مقاومت در مقابل استقلال طلبان و شرکت تنگاتنگ با قوای نظامی فرانسه را داشتند و گروهی نیز چون تابعیت فرانسه را پذیرفته بودند تا از مقامات اداری و لشگری فرانسه در الجزایر بهره مند گردند، بعد از خروج قوای فرانسه نمیتوانستند در الجزایر اقامت داشته باشند زیرا مردم الجزایر که به استقلال دست یافته بودند و خسارات مالی و جانی فراوانی داده بودند به چشم دشمن و خیانتکاران به میهن، یعنی الجزایر نگاه میکردند و علاوه بر آنکه از دعوت آنها بکار خودداری میشد حتی از اهانت و آزار آنها نیز توسط میهن پرستان دریغ نمیشد.

دولت فرانسه که به اجبار الجزایر را تخلیه کرده بود این هواداران و سربازان الجزایری خود را در الجزایر رها ساخت و فرار را برقرار ترجیح داد.

این گروه عظیم الجزایری ناچار از الجزایر به کشور فرانسه گریختند، یعنی بهمان کشوری که برای حفظ اقتدار سیاسی و نظامی اش در الجزایر جان و مال داده بودند و فرانسه را تشویق به ادامه استعمارش میکردند.

این گروه الجزایری که <هارکیز> نامیده میشدند در فرانسه نیز مصون از تعرض نماندند بزرگترین مزاحم و مخالف آنها در مرحله نخست میهن پرستان ناسیونالیست فرانسوی بودند که میگفتند <هارکیز> ها خانینی هستند که به کشور خودشان خیانت کرده اند و آنها به هیچوجه لیاقت تابعیت و اقامت در فرانسه را ندارند.

در همین راستا، الجزایریها مورد اهانت و دشنام وحتى ضرب و جرح هم قرار می گرفتند و بعلت تنفري که نسبت به گروه هارکیزها وجود داشت بیشتر هارکیزها در مناطق عقب افتاده شهرها و در وضع رقت باری زندگی میکردند.

الجزایرهانی که خارج از گروه هارکیز و در فرانسه اقامت داشتند، نیز با هارکیزها دشمنی بحقی داشتند و عقیده داشتند که همکاری هارکیزها با نیروی فرانسوی سبب طولانی شدن جنگ استقلال و تلفات و خسارات مردم شده است و نقش آنها در ایجاد استعداد اطلاعاتی و نظامی و تبلیغاتی علیه ملت الجزایر گناهی نیست که بتوان از آن گذشت و فرار آنها به فرانسه نباید سبب آسایش آنها گردد برخوردار الجزایریها با هارکیزها دست کمی از ناسیونالیست های فرانسوی نداشت و یک دره عمیق تنفروانزجاری بین دو گروه ایجاد کرده بود.

دو سال قبل دولت فرانسه بفرحمایت از هارکیزها برآمد و لایحه ای به مجلس برد ولی موفقیتی نداشت و مخالفین آن معتقد بودند که اقدام فرانسه جانبداری به استعمار الجزایر از سوی فرانسه تلقی میگردد.

اکنون بمناسبت نزدیکی انتخابات ریاست جمهوری فرانسه لایحه مزبور بتصویب پارلمان رسیده است زیرا قسمت اعظم مسلمانان فرانسه را نسلهای دوم و سوم هارکیزها تشکیل میدهند و دیگر نسلهای الجزایریهای غیر هارکینزها، جنایات قوای فرانسه و خیانتها هارکینزها را ز پدران و پدران خود شنیده اند.

### عراقی هادر خدمت آمریکائیا

یکی از مواردی که در قرارداد تخلیه عراق از نیروهای آمریکائی پیش بینی شده است حفظ امنیت عراقی هائی است که در مدت اشغال عراق بانیهروهای اشغالگر همکاری اعم از خدماتی و یا اداری و نظامی داشته اند.

آمریکائیا بموازات تخلیه عراق (بخوانید ظاهری) مانند فرانسوی ها در تخلیه الجزایر، عمل نکردند بلکه گروهی از عراقیها که مشاغلی مهم و تاحدودی حساس و اطلاعاتی و یا مشاوراتی داشتند به آنها پیشنهاد قبول تابعیت آمریکا را دادند و با کمک مالی و تسهیلاتی آنان راحمایت کردند و گروهی که مشاغلی خرد و ناچیز داشتند خدمات آنان را باز خرید و در قرار داد تخلیه عراق هم خواستار تامین امنیت آنان از طرف دولت عراق شده اند.

جریان عراقیهای در خدمت ارتش اشغالگران بدان سبب در این تحریر مقام یافت که مثبت وجود رابطه تنفروانتقامی بین اهالی یک کشور با هموطنانی است که بانیهروهای خارجی همکاری و یا ایجاد استعداد نظامی و یا کاری و از این قبیل مینمایند و هیچ فرقی بین ملتها و کشور هانیست.

### واما بعد - اصول

در هر عصری، اصولی در جوامع انسانی وجود دارد که اصول زیربنائی است یعنی هست و نیست جامعه بر آن اصول مستقر است. از باب مثال - اسلام مستقرو پایدار بر اصول دین است.

یکی از قدیمترین اصولی که سبب شده تاجوامع بشری حیات و اعتبار خود را حفظ کنند قبیح بودن توسل به بیگانه و یا به حمایت از بیگانه برخاستن است، این اصل در جامعه ایران بعلت قدمت سنت و فرهنگ ایرانی و تذکرات دین زرتشت و یعدها تاکید اسلام موقعیت فعال و زنده ای یافته است که این خود یکی از دلایل استقلال و یک پارچگی کشور ماست.

### نمونه هابر ای اثبات موضوع

۱- طهماسب میرزا ولیعهد شاه سلطان حسین پس از قتل پدرش برای مبارزه با افغان ها بفرقتاد که از روسها مدد بخواهد

دکتر محمود افشار در کتاب «افغان نامه» موضوع استمداد شاه طهماسب را از روسها مورد بحث قرار داده و نوشته است «کار شاه طهماسب خطائی بزرگ بود هیچگاه جایز نیست که از ماریه افعی و از خودی به بیگانه پناه برد. اشرف خودی بود و تزار روس بیگانه .....» دکتر افشار اضافه کرده که شاه طهماسب باید این بیت حافظ را در مد نظر میداشت:

## آشنایان ره عشق، گرم خورد خون ناکسم گربه شکایت سوی بیگانه روم

این توجه به جاست که شاه طهماسب در موقعیت پادشاهی که در آن عسرواجد تنها قدرت و اقتدار برای خیر و صلاح جامعه و کشور بود سیاست نزدیکی و استمداد از روسیه را پیش گرفته بود که مورد استیضاح قرار گرفت در حدی که مخالفت نادرشاه هم با سلطنت طهماسب میرزا بعثت همین توسل اوبه تزار روس بود.

۲- حسنین هیکل مورخ مصری در کتاب خود نوشته است

«بخاطر جانبداری حزب توده از شوروی در ایجاد جمهوری های آذربایجان و گیلان، هرگز سهمی در مورد ایران بعهدہ نداشته است» (صفحه ۳۶۶)

۳- مجله پرتیراژ «اکسپرس» در شماره ۱۵ آوریل خودنوشت «شاپور بختیار بعثت آلودگی هایش با عراق در آینده نقشی ندارد و از گردونه خارج شده است» (سنگر شماره ۴۰۷)

اصل تنفروانزجار مردم از جاسوسان و کسانی که در معیت دشمن در تهاجم به خاک و وطن شرکت داشته اند در تمام کشورهای جهان بدون استثناء بصورت جرم و مجازات پیاده شده است و حتی میتوان گفت که قدمت این قاعده بموازات پیدایش بشر بوده است «کورت فریشلر» آلمانی که در تاریخ اعراب در ایران مطالعه کرده نوشته است «در بین عربها این اصل جاری بوده است که کسیکه در ایام جنگ بخواهد از خصم طرفداری کند یا مانع جنگ بادشمن گردد خائن است»

در کشور فرانسه مارشال پتن که به سبب خدماتی که به فرانسه کرده بود و تامقام ونخست وزیری و ریاست جمهوری فرانسه هم رسیده بود و فاتح جنگ «وردن» نامیده میشد و شعار «پتن یعنی فرانسه و فرانسه یعنی پتن» را به او تخصیص دادند با این افتخارات نتوانست قبح ایجاد استعداد نظامی برای ارتش اشغالگر آلمان و کاستن از قدرت نظامی فرانسه را پرده پوشی سازد و ملت فرانسه او را محاکمه کرد و به اعدام محکوم شد ..... پیر لاوال هم به سرنوشتی مشابه مارشال پتن روبرو گردید.

### تاخیر ولی نه فراموشی خیانت

دیده شده است که جامعه بعثت گرفتاری و مشکلات، بطور موقت قبح عمل خیانت بوطن و دشمن یاری را مطرح نکرده ولی این تاخیر مسلماً قهری و کوتاه مدت است مانند عراقی هانی که در خدمت ارتش آمریکا بودند، که در اولین فرصت جامعه بسراغ آنها و برای تنبیه آنان اقدام خواهد کرد نمونه اش همان مارشال پتن و لاوال است که شرح داده شد.

**متاسفانه در حال حاضر به علت تنفر و انزجار مردم از جمهوری اسلامی آنطور که باید قبح عمل همکاری و معاضدت و تشویق بیگانگان در حمله نظامی به ایران مد نظر نیست ولی بدون تردید این کم توجهی عام و همیشگی نخواهد بود و در اولین فرصت به اصل خود باز میگردونفرت اصیل خود را نسبت به این قبیل ایرانیان ابراز خواهد داشت و این تنفر و نفرت ریشه ای بسیار قوی و طبیعی دارد که با شرافت انسان و خون آنها ایباری شده است و به سادگی خشک شدنی و یافروکش کردنی نیست چنانکه ملاحظه داشتید هنوز بعد از حدود ۵۰ سال تنفر الجزایری های میهن پرست نسبت به نسلی از هموطنان خودشان که متهم به خیانت به الجزایر و خدمت به قوای فرانسه بودند پایان نیافته و بعنوان یک مسئله روز خودنماست.**

باتاسف بیشتر، نه تنها قبح عمل تعاون با بیگانگان در حمله نظامی به ایران از مد نظر دور افتاده است بلکه جای قبح را احسن لازم هم گرفته و این بدین دلیل است که «هر عمل قبیحی که سرزنش و مجازات نشود، کم کم با احسن، بیتفاوت و در دراز مدت ممکن است بظاهر جای حسن را هم بگیرد بدون اینکه این جایگزینی حقیقی باشد.

مبارزه مایرانیان خارج از کشور در سالهای نخست پالیف فولادین ناسیونالستی و میهن پرستی پیوند ابدی خورده بود و کسانی مانند شاپوربختیار و رجوی و امینی و جبهه او و وابستگانش همچون فاطمی و اسلام کاظمیه که به محرک های عراق در جنگ با ایران معروف و یا به حمایت های مالی از بیگانگان شهرت داشتند گرفتار طوفان نفرت و خشم میهن پرستان قرار گرفته بودند تاجانی که اعلیحضرت در بیاناتشان فرمودند:

**«بهنگام آزادی ایران در دروازه ایران می ایستم و کسانیکه برای رهائی ایران مبارزه نکرده اند و یا از بیگانه کمک گرفته اند به ایران راه نمیدهم»** و در مصاحبه ای هم فرمودند **«پهلوی هابه مردم متکی اند نه به بیگانه»** - **«دستمم اگر قطع شود از بیگانه برای نجات ایران کمک نخواهم گرفت»** و عملا هم با آمادگی حضور در جبهه جنگ و دفاع از ایران حقیقت میهن پرستی خودشان را به اثبات رساندند.

ولی امروزه بمناسبت موضع جمهوری اسلامی و سیاست جامعه جهانی، نه تنها آن سخنان با مفهوم میهن پرستی از ایشان شنیده نمیشود بلکه قبح و زدالت توسل به بیگانه برای معدودی از ایرانیان به بی تفاوتی، و برای برخی، به حسن و امر لازم تبدیل گردیده آنهم در حدی که هیچ احساسی از خفت و ذلت آن نمیکند و با سر بلندی، خواستار مداخله خارجیان در امور ایران و تهاجم نظامی و ایجاد تحریم های شوک آور هستند و بی پروائی آنان به آنجا کشیده شده است که هر کس عمل آنان را سرزنش کند به طرفداری از جمهوری اسلامی متهم میگردد.

این توجه حضور آن اشخاص تقدیم میشود که احساسات اعم از اینکه جنبه دشمنی و یادوستی داشته باشد نمیتواند ناقض اصول باشد و در تطبیق مورد نمیتواند قبح خیانت به وطن را از صورت مسئله بیگانه پرستی که متکی به اصول است پاک کند.

یکی از حکما گفته است:

«بلی مرد آنکس است کز روی تحقیق که چون خشم ایدش باطل نگوید»

**اشخاص مذکور وقتی مرد، شناخته میشوند که بهنگام خشم از جمهوری اسلامی، تفاوت بین جمهوری اسلامی و ایران را از نظر دور نداشته باشند و در نهایت به باطل گوئی روی نیاورند و بیشتر این یاد راهم داشته باشند که مبارزه با جمهوری اسلامی تکلیف و حق ایرانیان است نه خارجیان** و تفویض حق و تکلیف خودمان در مبارزه با جمهوری اسلامی به خارجیان متضمن این معنی هم هست که مالیات مبارزه با جمهوری اسلامی را نداریم و کمی عمیق تر مالیات اینکه ایران وطن ما باشد را هم نداریم.

## حرف آخر

شاید هر قدر که گفته و نوشته شود نتواند قبح دشمن یاری و دعوت بیگانه به مداخله در امور ایران و ایجاد استعداد برای آنها در حمله به ایران را به کسانی که طبال جنگ آمریکا و ایران هستند تفهیم کند ولی این پرونده و سادگی تفهیم آن روزی گشوده میشود، که پرونده تهاجم نظامی خارجی به ایران گشوده گردد و فجایع جنگ ویرانی و آوارگی بزرگ و حتمی ایرانیان که نتیجه همه جنگهاست دامن مردم ایران را بگیرد که خواهد گرفت آنوقت شماتت و نفرین و اتهام بیگانه پرستی طبال های جنگ لحظه ای آنها را در هر کجای عالم که باشند راحت نخواهد گذاشت و ویرانی ایران و ذلت و پریشانی ملت ایران چون هیولانی وحشت آور مدام پیش روی آنهاست البته اگر آنها ذره ای شرافت و وجدان داشته باشند.